

خطبه غدیر را با سند صحیح بیان فرمایید ؟

سوال : خطبه غدیر را با سند صحیح بیان فرمایید ؟

جواب : [1] حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال : حدثنا محمد بن - الحسن الصفار ، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ، ويعقوب بن يزيد جميعا ، عن محمد بن أبي عمير ، عن عبد الله بن سنان ، عن معروف بن خربوذ ، عن أبي الطفيل عامر بن واثله عن حذيفة بن أسيد الغفاري قال : لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ حَجَّةِ الْوِدَاعِ وَنَحْنُ مَعَهُ ، أَمَرَ أَصْحَابَهُ بِالنُّزُولِ ، فَنَزَلَ الْقَوْمُ مَنَازِلَهُمْ ، ثُمَّ نُودِيَ بِالصَّلَاةِ ، فَصَلَّى بِأَصْحَابِهِ رَكَعَتَيْنِ ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَهُمْ :

إِنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنِّي مَيِّتٌ وَأَنْتُمْ مَيِّتُونَ ، وَكَأَنِّي قَدْ دُعِيتُ فَأَجَبْتُ ، وَإِنِّي مَسْئُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ ، وَعَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَحُجَّتِهِ ، وَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَعَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَحُجَّتِهِ ، وَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ لِرَبِّكُمْ ؟

قَالُوا : نَقُولُ : قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَجَاهَدْتَ ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ .

ثُمَّ قَالَ لَهُمْ : السُّتْمُ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ ، وَأَنَّ الْبُعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ ؟ فَقَالُوا : نَشْهَدُ بِذَلِكَ . قَالَ : اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ .

أَلَا وَ أَنِّي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَ أَنَا مَوْلِي كُلِّ مُسْلِمٍ ، وَ أَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ، فَهَلْ تَقْرُونَ [لي] بِذَلِكَ وَ تَشْهَدُونَ لِي بِهِ ؟

فَقَالُوا : نَعَمْ ، نَشْهَدُ لَكَ بِذَلِكَ .

فَقَالَ : أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ ، وَ هُوَ هَذَا .

ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَرَفَعَهَا مَعَ يَدِهِ حَتَّى بَدَتْ أَبَاطُهُمَا ، ثُمَّ قَالَ :

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ ، وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ .

أَلَا وَ أَنِّي فَرَطُكُمْ وَ أَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ [حَوْضِي] غَدًا ، وَ هُوَ حَوْضٌ عَرْضُهُ مَا بَيْنَ بَصْرِي وَ صَنْعَاءِ ، فِيهِ أَقْدَاحٌ مِنْ فِضَّةٍ ، عَدَدَ نَجُومِ السَّمَاءِ .

أَلَا ، وَ أَنِّي سَأَلْتُكُمْ غَدًا ، مَاذَا صَنَعْتُمْ فِيمَا أَشْهَدْتُ اللَّهَ بِهِ عَلَيْكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا ، إِذَا وَرَدْتُمْ عَلَيَّ حَوْضِي ؟ وَ مَاذَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي ؟

فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ خَلَفْتُمُونِي فِيهِمَا حِينَ تَلْقَوْنِي ؟

قَالُوا : وَ مَا هَذَانِ الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟

قَالَ : أَمَّا الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، سَبَبُ مَمْدُودٍ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّي فِي أَيَدِكُمْ ، طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَ الطَّرْفُ الْأَخْرَبُ بِأَيْدِيكُمْ ، فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ وَ أَمَّا الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ فَهُوَ حَلِيفُ الْقُرْآنِ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ عِتْرَتُهُ ، وَ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ [2]

ترجمه روایت:

معروف بن خربوذ از ابي الطفيل عامر بن واثله، و او از حذيفة بن اسيد غفاري نقل کرده است كه: زماني كه حضرت رسول اكرم (ص) از آخرين سفر حج بر مي گشتند، و ما هم در خدمت آن وجود گرانباه بوديم، ايشان به اصحاب امر فرمودند كه همه بايستند . مردم اطاعت كردند و در جاگاهشان قرار گرفتند . سپس مردم به نماز فرا خوانده شدند، و دو ركعت نماز گزارده شد .

آنگاه رو به مردم کردند و اینچنین به سخن آغاز نمودند:

«خداوند لطیف و خبیر مرا آگاه نمود که بسوی او می روم و شما نیز، عاقبت رهسپار گوی دوست خواهید بود .

من دعوت حق را لبیک می گویم و در برابر آنچه که از طرف خدا برای شما آورده ام و در مقابل کتاب او و حجتي که برای شما باقی می گزارم، مسئول هستم .

شما نیز برای آنچه که خداوند سبحان برای شما فرستاده، و قرآن و حجتش که در میان شما باقی می ماند، مورد پرسش قرار خواهید گرفت .

شما مسئول هستید، پس آنگاه، در برابر رب العالمین چه خواهید گفت؟

گفتیم: ما گواهی می دهیم که رسالت خویش را به انجام رسانیدی و در راه تبلیغ دین و پند مسلمانان از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نمودی، پس خداوند به تو بهترین جزا و پاداش را عنایت فرماید .

سپس فرمودند: «آیا گواهی می دهید که معبود جهان یکی است، و محمد بنده خدا و پیامبر او و اینکه بهشت و جهنم ، و زندگی جاویدان در سرای دیگر حقیقت است، و تردیدی از آن نیست؟

همه گفتیم: شهادت می دهیم که این چنین است .

آنگاه آن وجود نازنین فرمودند: «خداوندا! بر آنچه می گویند گواه باش!

و خطاب به مردم فرمودند: «ای مردم ! شاهد باشید که من گواهی می دهم که خداوند ، مولای من است ، و من نیز مولای هر مسلمانی، و بر هر مؤمنی، از خودشان به خودشان سزاوارتر و شایسته ترم . آیا به این مطلب هم اقرار می کنید و شهادت می دهید؟

گفتیم: بله! بر این نیز گواهی می دهیم .

حضرت رسول اکرم (ص) بعد از گرفتن این اقرارها فرمودند: «آگاه باشید! هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست . و مراد همین علی است، که در کنار من است .

و آنگاه دست علی را گرفتند و همراه با دست خویش آنقدر بلند کردند که حتی زیر بغلهای مبارک نیز آشکار شد .

و فرمودند: «خداوندا! دوستدار کسی باش که علی را دوست دارد و دشمن آنکه، او را دشمن می دارد .

هشیار باشید! من پیشاپیش شما می روم و شما در کنار حوض کوثر بر من وارد می شوید و آن حوضی است که پهنای آن فاصله بین بصری و صنعاء می باشد، و به تعداد ستارگان آسمان بر گرداگرد آن جامهای نقره نهاده شده .

آگاه باشید! فردای قیامت که شما در کنار حوض کوثر بر من وارد می شوید، از شما خواهم پرسید که با آنچه که در اینجا و در این روز، خدا را بر آن شاهد گرفتیم، چه کردید؟ و از آن دو چیز گرانبها و با ارزش که در میان شما به ودیعه گذاشتم، چگونه امانتداری کردید؟

پس بنگرید که با آن دو چیز قیمتی و پر بها، چگونه رفتاری داشته اید؟

از میان جمعیت کسی بانگ بر آورد که: ای رسول خدا! آن دو چیز گرانبها کدامین هستند؟

رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «بزرگ آن چیز نفیس و گرانبهایه، کتاب خداوند جلت عظمته است، که ریسمان الهی است که از طرف او و من در دستان شماست، یک طرف در دست خدا و سوی دیگر آن در دست شماست، و علم گذشته و آینده تا قیامت در آن نهفته است .

و دیگر آن چیز پر بها که کوچکتر از اولی است، قرین و همراه قرآن، این علی بن ابی طالب و عترت پاک اوست، و این دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند . «

معروف بن خربوذ در پایان این روایت می گوید:

فَعَرَضْتُ هَذَا الْكَلَامَ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: صَدَقَ أَبُو الطُّفَيْلِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذَا الْكَلَامُ وَجَدْنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَرَفْنَاهُ.

این حدیث را به امام باقر (ع) عرضه کردم و حضرت فرمود: ابوظفیل راست گفته ما این سخن را در کتاب علی (ع) یافتیم ، و به آن آشناییم» .

[1]. بررسی سند این روایت:

محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید: استاد شیخ مفید « شیخ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم ، ثقة، ثقة، عین » (معجم رجال الحدیث ج : ۱۵ ص : ۲۰۶)

محمد بن - الحسن الصفار: «کان وجها فی أصحابنا القمیین، ثقة، عظیم القدر، راجحا» (معجم رجال الحدیث ج : ۱۵ ص : ۲۴۸)
محمد بن الحسین بن ابی الخطاب: « جلیل من أصحابنا، عظیم القدر، کثیر الروایة، ثقة، عین، حسن التصانیف، مسکون إلی روایتہ » (معجم رجال الحدیث ج : ۱۵ ص : ۲۹۱)

یعقوب بن یزید: « کان ثقہ صدوقا » (معجم رجال الحدیث ج : ۲۰ ص : ۱۴۷)

محمد بن ابی عمیر: « کان وجها من وجوه ... کان من أوثق الناس عند الخاصة و العامة، و أنسکهم نسکا، و أروعهم و أعبدهم » (معجم رجال الحدیث ج : ۱۴ ص : ۲۷۹)

عبد الله بن سنان: «کوفي ثقة، من أصحابنا جلیل لا یطعن علیه فی شیء» (معجم رجال الحدیث ج : ۱۰ ص : ۲۰۹)

معروف بن خربوذ: از اصحاب اجماع « أفقه الأولین ستة: زرارة و معروف بن خربوذ و بريد و أبو بصير الأسدي و الفضيل بن يسار و محمد بن مسلم الطائفي » (معجم رجال الحدیث ج : ۳ ص : ۲۸۶)

أبي الطفيل عامر بن واثله: « من خواص أصحاب أمير المؤمنين ع » (معجم رجال الحدیث ج : ۹ ص : ۲۰۴) امام صادق علیه السلام در آخر همین روایت او را تصدیق کرده اند.

حَدِيثُ بَنِ أَسِيدِ الْغِفَارِيِّ: یکی از حواریین امام حسن مجتبی علیه السلام دانسته شده است. « معجم رجال الحدیث ج : ۸ ص : ۱۸۹

طبق اعتقاد علما رجال چون «محمد بن ابی عمیر» از مشایخ الثقات است افرادی که او از آنها روایت می کند نیاز به بررسی سندی ندارند؛ همچنین «معروف بن خربوذ» از اصحاب اجماع است و طبق اعتقاد برخی از علما کسانی که او از آنها روایت می کند مورد تاییدند.

[2]. خصال، شیخ صدوق، ص ۶۵، باب دوم، حدیث ۹۸، و بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۳، ص ۱۲۱ .